



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۰/۰۵

ملالی موسی نظام

روز فرخنده معلم مبارک باشد



روز پنجم اکتوبر را جهان به مناسبت قدر و منزلت والای معلم استقبال می نماید و به منظور بزرگداشت ازین شخصیت براننده اجتماع در نقاط مختلف این دنیای بزرگ که حاصل همه پیشرفت های اجتماعی، اقتصادی و بنیادی آن در طول تاریخ از برکت موجودیت استاد و معلم بوده است، به نیکی یاد می نمایم.

اساس انتخاب چنین تأریخی را در سال ۱۹۶۲ برای گرامی داشت روز فرخنده معلم در حقیقت جامعه هند با در نظر داشت روز تولد دومین رئیس جمهور آنکشور که عبارت از داکتر «سروپالی راداکرشنان» باشد انتخاب نمود که بعد ها تعداد زیادی از ملل جهان یکی به دنبال دیگر آنرا به رسمیت شناختند. البته مؤسسه جهانی «یونسکو» یکی از شعبات علمی و فرهنگی وابسته به ملل متحد در سال ۱۹۹۴ همچنان روز پنجم اکتوبر را رسماً منحصراً روز بین المللی معلم اعلام نمود، در حالیکه حرکت مثبتی را که در پاریس با همبستگی به سیستم حکومتی در مورد قدرمندی معلمان در سال ۱۹۶۶ طی کنفرانسی برای ارج گذاشتن به تعلیم و مقام معلم صورت گرفته بود دوباره تأیید نمود.

با به رسمیت شناختن روز جهانی معلم از جانب مرکز فرهنگی و علمی «یونسکو»، قواعد و توصیه نامه های جدی با اصول و ستندرد های قابل پذیرش برای مؤسسات تعلیمی ممالک برای حمایت از مقام و حقوق معلمان و هم چنان بالا بردن و تقویه سوئه تعلیمی آنان جهت تربیت خوبتر شاگردان معارف، به وجود آمد. البته خود مختاری ممالک مختلفه و بودجه های تعلیمی آنان با در نظر داشت شرائط محیطی، اجباری را در پذیرش و تعمیل این اصول در بر ندارد، ولی با آنهم موجودیت چنان قواعدی از لحاظ حمایت و رهنمایی این قشر براننده اجتماعات در چهار چوب شناخت حقوق معلمان و طرق انکشاف تعلیمی و معلوماتی آنان، تأثیرات مثبتی را هم در جهان بوجود آورده است. یکی از اصول شناخته شده معاش خود کفاء و داشتن بیمه صحی معلمان درین زمینه میباشد که در اکثور ما خیال است و محال.

در افغانستان قبل از کودتای منحوس ثور، باوجود شرائط محدود اقتصادی و قیود فامیل ها بر آموزش فرزندان و منع شمول دختران ویا ادامهٔ تعلیم آنان در مکاتب، اصول تعلیمی گوناگون منجمله آموزش در مساجد یا مکاتب خانگی مروج بود. البته در شهر های بزرگ و کوچک، شمول در مکاتب بصورت رایگان و بدون تبعیض اطفال وطن میسر بود، طوریکه معلمینی از ملای مسجد تا بزرگان با سواد در فامیل ها و البته در صنوف رسمی وزارت معارف افغانستان، مشغول تعلیم شاگردان خویش بوده اند. در کشور ما قبل از برپادی محیط اصیل افغانی مقام و منزلت آموزگار و معلم به هر شکلی که در بالا متذکر شدیم، خیلی بالا و قدرمندی آن خدمتگزار برگزیدهٔ اجتماع دائمی و نهایت محترم بوده است.

اینقلم تجربه ای از قسمتی از شهر قندهار در زمان اقامت در مادر وطن داشته ام که در فامیل های سرشناسی که با توجه بزرگان، خانم ها از نعمت سواد برخوردار بودند، اطفال اناث همسایگان و دوستان اکثراً بی بضاعت که محدودیت نبود مکاتب و یا اجازهٔ شمول به مکتب موجود نبود، مجانی و رایگان به صورت عنعنوی در ساعات معین و پنج – شش روز هفته تدریس مینمودند که در آن بدون تبعیض مضامین پشتو، دری و تا حدودی ریاضی تعلیم داده میشد. در زمرهٔ کتب دری چهار مقاله، حافظ و امثال آن به اطفال آموخته میشد. به اساس همین تجربهٔ شخصی من، بی تردید که پشتو زبان های افغانستان که بدون زندگی در ولایات دری زبان، با شمولیت در کار و پوهنتون یا محاورات، البته با موجودیت لهجه که طبعی است، بر دو لسان غالب بوده و هیچگونه مشکل افهام و تفهیم نداشته اند، در حقیقت از برکت تعلیمات مساجد، منازل و مکاتب در ولایات پشتو زبان به کمک معلمین صادق بوده است.



اینجانب که شاگرد بهترین معلمین و استادان لیسهٔ عالی ملالی بوده ام، تجارب درخشان و نیکی از معلمین ورزیده، لایق، وظیفه شناس، با تربیت و اصول پیش آمد پسندیده داشته ام که سپاس و درود من همیشه بدرقهٔ راه آن خردمندان و علم برداران معارف افغانستان عزیز بوده است. در عکس بالا تعدادی از آن استادان گرامی را که محترمه عالییه پرونتا، صالحه فاروق اعتمادی، و مرحومه عزیزه انوری با مهمانان لیسه، خانم خاتول ظاهر و شاهدخت بلقیس هستند، در روز فرخندهٔ معلم و در عصر صلح و صفای اعلیحضرت محمد ظاهر شاه مشاهده میفرمایید.

در افغانستان امروز که به همگان معلوم است که از کمک های گوناگون خارجی که مصارف آن در یکسال تکمیل نمیگردد، یکی هم امداد به وزارت معارف است که بودجه سالانه را نمیتواند «!» مصرف نماید، در حالیکه نه تنها هزاران طفل وطن بدون مکتب و معلم میباشند، بلکه حتی صد ها مکتب بر روی زمین خشک با معلمی در آن شرایط استثنایی در گرما و سرما مشغول تعلیم هستند. نمونه هایی را لطفاً درین صفحات با افسوس مطالعه فرمایید که نه تنها شاگردان خوار و زار هستند بلکه معلمین شان هم فرقی با آن بینوایان ندارند.



در شرائط فعلی مشکل معلم و شاگرد، یکی از سخت ترین قضیه در اجتماع ویران افغانی محسوب میگردد و یکی از مهمترین آن که تعلیم اولاد وطن و آینده نا معلوم آن بینوایان باشد. صد ها هزار طفل و جوان مکتب رو افغان یا از شرایط امنیتی ای که داعش و طالب با جنایات بیدریغ فراهم آورده اند ویا از خشونت و مظلومی که بر دختران از جانب دد منشانی در محیط عارض میگردد، به مکتب نمیروند و معلمین هم بدون عاید خانه نشین گردیده اند. از جانب دیگر طوریکه مشاهده میگردد، مسئولین امور معارف کشور با موجودیت بودجه و امکانات، میگذارند اولاد ذکور و اناث مملکت بر روی خاک و زیر آسمان و آفتاب گرم با بی وسائلی مطلق درس «؟؟!» بخوانند. یا الله!!

اینجانب که رضاکارانه خدمتگار راه دور سیستم سپانسرشپ مؤسسه شاگردان بی بضاعت آشیانه میباشم، چند سال قبل کمپی از بیجاشدگان در چهار راهی قنبر را که آشیانه حمایت میکند و تا صنف ششم اصول درسی وزارت معارف را بالای اطفال کمپ تطبیق مینماید، به مناسبت کسر بودجوی اجباراً از ادامه تدریس معلمین معذرت خواست و عرایضی را در زمینه اخذ معاش برای آنان به وزارت معارف پیشکش نمود. بعد از دویدن ها و بی اعتنایی هایی که ماه ها دوام نمود از قبول چند معلمی که آن اطفال سرگردان را تدریس مینمودند، به بهانه کمبود بودجه «!» اباء ورزید.....چندی بعد در اخبار نشر گردید که همان سال ۳۰ فیصد بودجه کمکی را



را وزارت جلیله معارف افغانستان نه توانسته مصرف نماید و به منبع آن برگشت نمود! البته با کمک هموطنان از طریق پروگرام خانم سحبه کامرانی، مشتی پول جمع گردید و متعلمین و معلمین آشیانه به صنوف درسی کمپ «چهارراهی قنبر» به درس ادامه دادند. «عکس پایین»

طبقه معلمین در افغانستان، حتی همین حالا که سیل کمک های جهانی برای معارف سرازیر گردیده است، همیشه دارای معاش غیر کافی و بخور و نمیر بوده که با شرائط اقتصادی در نقیض می باشد.



وظیفه مهم در قبال قدرمندی و حمایت از حقوق مهمترین قشر اجتماع که همانا معلمین معارف باشند، حکم می نماید که از خدمات ارزشمند آنان و وظیفه بس مشکل و حساسی را که در تربیت و تعلیم اولاد مملکت دارند، پشتیبانی و تقدیر نماییم.

در خاتمه درود و تهنیت به همه معلمین شریف و وظیفه شناس افغانستان که در شرائط نهایت سخت و نا امن با درآمد ناچیزی به تعلیم فرزندان ما با صداقت عمل مینمایند، میفرستیم.

پایان